

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشق‌ری
فرستنده: محمود شاداب
۲۸ دسمبر ۲۰۱۸

[باران غم]

عمری شده کز عشق رُخت بیمارم
از دیده خود خون جگر می بارم
راز دل خود با تو چسان خواهم گفت
در پیش رُخت چو صورتِ دیوارم
خالی چو ز جلوه ات ندیدم جایی
در هر سر ره منتظر دیدارم
ای دیده من تو بد رفیقی نکنی
خوابت نبرد که انتظار یارم
چون ژاله و باران به سرم می بارد
از هجر رُخت غم ز در و دیوارم
در چشم کسان و ناکسان بزمتم
ای گل به خدا کم زده ای بسیارم
بر دعوی عشقم اگر تویی شاهد من
از گرده و ناگرده خود اقرارم
از جور تو خاطر من نرنجد گاهی
دشنام ترا به جان و دل خوش دارم
عمری شده عشق‌ری که در صنف بُتان
من عاشقِ این شوخ پری رخسارم